

تبیین مرز خرافه در فرهنگ مردم از دیدگاه صاحب‌نظران

گفتگو با دکتر غلامعلی حدّاد عادل

نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

گفتگو از: سویل ماکویی^۱

○ جناب آقای دکتر حدّادعادل با تشکر فراوان از جنابعالی که زمانی را برای گفت‌وگو با فصلنامه اختصاص دادید. به عنوان اولین سؤال بفرمایید حضرت‌عالی درباره آداب و سنن اجتماعی و به طور مشخص فولکلور یا فرهنگ مردم چه نظری دارید؟

● به طور کلی رفتارهای اجتماعی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول، رفتارهای عقلانی هستند، یعنی برای آنها می‌توان دلایل عقلانی و منطقی ذکر کرد. دسته دوم، رفتارهای غیر عقلانی هستند، مانند گاو‌بازی که هیچ دلیل عقلی برای آن نمی‌توان استدلال کرد، چنین رفتارهایی ضرر آشکار دارند و ضربه‌زننده به زندگی افراد هستند. دسته سوم که این بحث بیشتر در این حوزه می‌گنجد، رفتارهایی هستند که دلیل عقلانی برای ابراز آنها وجود ندارد، اما ضربه‌زننده و آسیب‌زا هم نیستند و در جامعه وجود دارند. عادات و سنت‌ها در این مجموعه قرار می‌گیرند. من برای خود یک نظام ذهنی دارم؛ به این صورت که فرد و جامعه را در این نظام دارای تشابهاتی می‌دانم؛ مثلاً اگر فرد صاحب هویت و شخصیت است؛ جامعه، «فرهنگ» دارد. اگر فرد صاحب حافظه است؛ جامعه

«تاریخ» دارد. اگر فرد، قدرت سخنگویی دارد؛ جامعه، «زبان» دارد. اگر فرد صاحب احساسات است؛ جامعه، «هنر» دارد. اگر فرد عاداتی دارد؛ جامعه نیز «سنت» دارد. فردی را در نظر بگیرید که در طول کارهای روزمره، عادت‌های رفتاری خاصی از خود بروز می‌دهد که هیچ دلیل خاصی برای بروز آن عادت‌ها نمی‌توان بیان کرد. این عادت‌ها، آسیب‌زننده نیستند، اما با معیارهای عقلانی هم نمی‌توان آنها را تبیین کرد. مشابه همین عادات در جامعه، سنت نامیده می‌شود. سنت، عادت جمع و جامعه است. یک سلسله کارهایی در جامعه انجام می‌شود که دلیل مشخصی ندارند، اما مردم عادت کرده‌اند آن رفتارها و عادات را انجام دهند. هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که این عادت‌ها را نداشته باشد. فرض کنید وقتی فردی به مسافرت می‌رود خانواده‌اش برای او «آش پخت پا» می‌پزند. این یک عادت جمعی است، دلیل عقلانی ندارد، ضربه‌زننده هم نیست، اما مردم آن را انجام می‌دهند. این نوع عادات و رفتارها را هرگز نمی‌توان از مردم گرفت.

○ اما گاهی عده‌ای به این سنت‌ها نقد می‌زنند و استدلال می‌کنند که باید دلیل

عقلانی برای انجام کار وجود داشته باشد؟

● در پاسخ به این گونه استدلال‌ها باید گفت که نمی‌توان برای همه رفتارها دلایل عقلانی جستجو کرد و این گونه برخوردها ایده‌آلیستی است. باید به این افراد تذکر داد که آیا اگر رفتار و عادت در میان مردم رواج داشته باشد که عقلانی نیست، باید با آن مبارزه و آن را نفی کرد؟ چنین نگاهی به آداب و سنت‌های اجتماعی اشتباه است. در اغلب آیین‌ها و سنت‌ها هم این استدلال به کار می‌آید. یعنی اگر رفتاری تبدیل به عادت و سنت شد و دلیل عقلانی نداشت و برپایی آن عادات ضربه‌زننده هم نبود، اشکالی برای اجرا و بروز ندارد. مثلاً در گذشته در تهران مرسوم بود که پدر و مادر عروس، شب عروسی دنبال عروس نمی‌رفتند و در منزل می‌ماندند یا در این مراسم دادن هدیه‌های مختلف مانند خلعتی، چشم‌روشنی و سنت‌های دیگر به وفور دیده می‌شد که پایه‌های عقلانی نداشتند، اما وجود داشتند و اجرا می‌شدند. موارد مشابه بسیاری را می‌توان نام برد که ایرادی بر وجود آنها نمی‌توان گرفت. به نظر من اصلاً نباید تلاش کرد که سنت‌ها را از جامعه گرفت، به این دلیل که استدلال عقلانی پشت سر آنها وجود ندارد. در جایی باید با سنت‌ها

مبارزه کرد که ضرر آشکار داشته باشند؛ در این مورد می‌توان به گاوپازی در اسپانیا اشاره کرد. این سنت ضربه‌زننده است و ضرر آشکار آن به وضوح قابل مشاهده است.

○ آقای دکتر گاهی نقدهایی در مورد برخی آیین‌های ملی مانند سیزده‌بدر بیان و مخالفت‌هایی ابراز می‌شود. نظر حضرت‌عالی در مورد برپایی این گونه آیین‌ها و نمایش آنها از رسانه چگونه است؟

● در مورد آیین‌ها هم این استدلال صدق می‌کند. مثلاً می‌توانیم در مورد «سیزده‌بدر» بگوییم که مردم عادت دارند در سیزده فروردین از منزل بیرون بروند و در بیابان و دشت این روز را بگذرانند. واقعیت این است که مردم در «سیزده‌بدر» برای گذران وقت، به صورت یک عادت از منزل بیرون می‌روند و قصدشان بیرون کردن نحسی و سیزده از زندگیشان نیست. البته همگان موضوع نحسی سیزده را شنیده‌اند، اما به آن باور ندارند و اصلاً به آن قصد به دشت و بیابان نمی‌روند، بلکه برای شادی و نشاط از خانه و شهر خارج می‌شوند و این سنت را به جا می‌آورند. در این موارد نباید «مته به خشخاش گذاشت». باید حاصل عمل را دید. حاصل عمل، چیز خوبی است؛ در یک روز خاص مردم دسته‌جمعی از شهر بیرون می‌روند، در دشت و سبزه‌زار می‌مانند و هوای پاک تنفس می‌کنند، کودکان بازی می‌کنند و خانواده‌ها اوقاتی را به شادی و تفریح می‌گذرانند. نباید همه مردم را به خط کرد و با ترازوی استدلال عقلی سنجید. اگر نتیجه عمل، نتیجه بدی نیست، نباید باریک شد. هیچ فردی هنگام سرمایه‌گذاری یا معامله، سود خود را به خاطر عدد «۱۳» فدا نمی‌کند. پس باور و اعتقادی به نحسی آن وجود ندارد. در مورد آداب و سنت‌ها نباید سختگیر بود. فقط باید در مورد آن دسته از سنت‌هایی که استدلال عقلانی ندارند و نتیجه ضد عقلی دارند، سختگیری شود. این نگاه می‌تواند بنیانی برای تبیین معیار در پرداختن به آداب و سنت‌ها باشد.

اما گاهی نگرانی‌هایی از سوی برخی متدینین ابراز می‌شود. آنها نگران بروز برخی معصیت‌ها هنگام برپایی این آداب و سنت‌ها هستند. در گذشته، این معصیت‌ها و مفسده‌ها بیشتر بود و این مناسبت‌ها بهانه‌ای برای آن گونه معصیت‌ها به شمار می‌رفت. نگرانی‌ها بیشتر در این مورد است. اگر بتوان کاری کرد که این آداب و سنن به صورت یک رفتار اجتماعی با نتیجه عمل خوب برپا شود، به طور مسلم کسی هم اعتراض نمی‌کند. رسانه

ملّی نباید به این دلایل از آداب و سنن مردم فاصله بگیرد و برای پرداختن به آنها محدودیت قایل شود. رسانه ملّی باید روی نتیجه این گونه آداب و سنّت‌ها متمرکز شود و از پرداختن به ریشه‌های غیرعقلانی آنها بپرهیزد. مردم با این آداب و سنن زنده هستند. البته در برپایی این آداب و سنن باید توجه داشت که کارهای غیر عقلانی صورت نگیرد. برای دفاع از نمایش آداب و سنن از رسانه باید عنوان کرد که آداب و سنّت‌ها ضرری به فرد و اجتماع نمی‌رسانند و چون جزو زندگی مردم هستند، اگر از مردم گرفته شوند آنها به اجبار به سنّت‌های بیگانه روی می‌آورند که با فرهنگ ما منافات دارد. همچنین، نمایش این آداب و سنن برای حفظ هویت مردم لازم و مفید است. با چنین مبنایی می‌توان آداب و سنن مردم را از رسانه ملّی نمایش داد.

○ جناب عالی به طور مشخص در مورد آیینی مانند چهارشنبه‌سوی چه نظری دارید؟

● اگر برپایی این آیین همانند آداب گذشتگان باشد؛ یعنی مثلاً در حد تهیّه آجیل یا حتّی قاشق‌زنی و تدارک بوته‌ای برای پریدن از آتش باشد، هیچ ایرادی ندارد. اما امروزه این آیین تبدیل به یک آیین وحشت‌زا شده است. از یک ماه قبل، انواع ترقه‌ها و بمب‌های خطرناک در خیابان‌ها و کوچه‌ها امنیت مردم را به خطر می‌اندازند و علاوه بر آن این آیین دستاویزی برای برخی بهره‌برداری‌های ناصواب اجتماعی و سیاسی شده است. بنابراین، باید در برخورد با این آیین، به طور مشخص بسیار با حساسیت عمل کرد تا زمینه برای برخی تحرکات فراهم نشود. اما این آیین به خودی خود، جزو آداب و سنن‌های ماست و هیچ نسبتی با مواردی چون آتش‌پرستی و شرک ندارد.

○ آقای دکتر بحث خرافه موضوعی گسترده است و مسائلی مانند فالگیری نیز در این مجموعه دیده می‌شود. به نظر جناب عالی رسانه ملّی چگونه می‌تواند از شیوع این موضوعات در جامعه جلوگیری کند؟

● صداوسیما می‌تواند با نشان دادن پشت‌صحنه این گونه فریبکاری‌ها، واقعیت این افراد را به جامعه نشان دهد. باید این افراد را کاملاً به جامعه شناساند؛ باید نشان داد که این افراد، بی‌سواد و سودجو هستند و با فریبکاری وارد این عرصه شده‌اند. البته باید این نکته

را متذکر شد که اغلب افراد دوست دارند، از آینده خود و دیگران باخبر شوند و این نوعی خواست درونی است. در جایی که فرد از راه‌های عقلانی نمی‌تواند به این نیاز خود پاسخ دهد، به راه‌های غیرعقلانی متوسل می‌شود. این مسئله در همه جای دنیا هم دیده می‌شود. با چنین مسائلی باید همه‌جانبه برخورد کرد و با برنامه‌های مختلف فریبکاری این افراد سودجو را نشان داد.

○ رسانه ملی در چه قالبی بیشتر می‌تواند به این روشنگری‌ها بپردازد؟

● از طریق ساخت مجموعه‌های نمایشی باید به طور غیرمستقیم چنین باورهایی را نقد و بالاخره محو کرد. علاوه بر نقد خرافه‌های این‌چنینی، برخی سنت‌های نادرست را هم می‌توان نقد کرد. مثلاً در روستاها، رسم پسندیده‌ای وجود دارد. آنها در عروسی‌ها به جای هدیه، پول نقد به داماد می‌دهند، اما در شهرها هدیه‌هایی خریداری می‌شود که اغلب به درد عروس و داماد جوان نمی‌خورند. نشان‌دادن این موارد کاربرد و جافتادن آنها در برنامه‌های مختلف به تصحیح رفتارهای اجتماعی می‌انجامد. بنابراین، باید اصل سنت را حفظ و نتایج و عملکرد آن را تصحیح و تنظیم کرد و به جامعه ارائه داد. رسانه ملی باید یک ذره‌بین به دست بگیرد و جاهایی را که سنت ایجاد انحراف می‌کند، بیابد و بدیل مناسب آن را معرفی و نشان دهد.

ریشه برخی از سنت‌ها در ظرف زمانی خود معنادار و معقول بوده است، اما امروزه موضوعیت خود را از دست داده‌اند. سنت، یک روح و یک جسم دارد. روح آن از بین رفته، اما جسمش مدام در حال سنگین شدن و مزاحمت است. مثالی می‌زنم: مراسم عروسی آکنده از سنت است. آینه و شمعدان از ملزوماتی هستند که در این مراسم خریداری می‌شود. آینه و شمعدان از نهایت ذوق ایرانی حکایت می‌کند. در گذشته، خانه‌ای که تشکیل می‌شد، دو وسیله ضروری می‌خواست. چراغ برای روشنایی و آینه برای نشان دادن زیبایی‌ها و جلوه‌گری‌های نوعروس منزل. این سنت وقتی موضوعیت داشت که خانه‌ها فاقد برق بودند، بنابراین خرید شمعدان ضروری بود. در گذشته آینه از آهن ساخته می‌شد؛ آهن را آنقدر صیقل می‌دادند تا تبدیل به آینه می‌شد. در آن دوره، آینه وسیله گران‌بهایی بود و چون به سختی درست می‌شد، این سنت به وجود آمد. اما امروزه که آینه

در دسترس همگان است و قیمت زیادی هم ندارد، برق هم وجود دارد، پس وجود آینه و شمعدان در لیست خرید، هزینه اضافی محسوب می‌شود. رسانه ملی باید این رسم و سنت را واکاوی کند و با نظر کارشناسان، بدیلی برای آن در جامعه نشان دهد. مثلاً می‌توان نمادهایی از آینه و شمعدان را به عنوان پاکی، نور و روشنایی جایگزین کرد و هزینه مربوط را صرف امور ضروری‌تر ساخت. باید به رفتارهای اجتماعی برش زد و کارکردی به آنها نگاه کرد، اگر کارکردی دست و پاگیر و مضر است، آن را باید به تدریج حذف و با کارکرد مفید جایگزین کرد.

○ با تشکر از دیدگاه‌های سازنده و راهگشای شما.

